

## مکتی بر نوشته نمی دانم کرزی با کی میخواهد صلح و مذاکره کند؟

نوشته جناب محترم هاشم انوری را تحت عنوان فوق بتاريخ ۰۸/۰۸/۲۰۱۱ در سایت وزین افغان جرمن آنلاین ناشرواقعی و رسالتمند افکار و اندیشه‌های افغانان با دقت تمام مطالعه کردم. مطالب متذکره دیدگاه و بخشی از حقایق از جامعه ماست که از نظر جناب شان به خواننده پیش کش شده که امید مسئولین امور افغانی نیز آنرا بخوانند و تعمق کنند. حاکمیت بداند که: دانی که برنگین سلیمان چه نقش بود- بر زر نوشته بود که این هم میگذرد. حاکمیت باید بداند که حکومت و جبروت های گذشته و این هم خواهد گذشت. نباید روش معمول قبلی را درپیش گرفت که میگویند: (اگنورش کن!) اهمیت اش نه تی!

من چندی قبل نوشته تحلیلی را در رابطه به مسایل کشور- امر صلح و جنگ در افغانستان و منطقه و راه های حل آن - به یکی از مسئولین دولتی اعطای کردم از لابلای صحبت ها و افاده ها چنین معلوم میشد که علاقمندی و اساس موجودیت، بقا، ماندن و عدم باقی ماندن وی در پست مذکور به اساس معیار های دیگر قرابتی، خدمتگار بودن به حلقات معین و روابط خوب به آنها به ولی نعمت ها است، تا شایستگی و خدمت گاری، تا تفکر و تعمق و جستجوی راههای حل و بیرون رفت از تراژیدی مردم افغانستان و جامعه جهانی.

به فهم، درک و احساس من وی چندان به حل مسایل کشوری و رنج و غم کشور ما و امر صلح علاقمندی نشان نمی داد. امید این مشکل سراسری مسئولین امور افغانی نباشد. به هر صورت و افس به موضوع:

**مصالحه سیاسی به فهم من معامله و خیانت به اعتقادات خویش نیست. مصالحه سیاسی تسلیمی و توافق و قبول نظر مقابل نیست. مصالحه سیاسی دریک جامعه توافق براین است که حاکمیت و مشروعیت حاکمیت از آن مردم است. این مردم اند که باید انتخاب کنند کدام نسخه و برنامه رای برای حل مسایل مطروحه تعیین و انتخاب میدارند. مصالحه که حاشیه کشاندن مردم و توافقات در جرگه ها و کنفرانس های فرمایشی و معامله و تقسیم غنایم نیست. (درمورد تفصیل در نوشته های دیگر داشتم).**

میدانیم که یک حرکت و سازمان سیاسی در مراحل مختلف عمر خویش قرار داشته و بود و بخاطر داریم که بخش از حرکات و سازمان های سیاسی که به آنها یاغی، باغی و دشمن خطاب میشد و عملا کار های تخریب کارانه میکردند به جنبش های ملی و مقاومت مبدل شدند این حتمی نیست در تمامی موارد صدق کند.

با وجود تمام این مسایل باید قبول کرد که تا زمانیکه در سیتج سیاسی نماینده ای تمام نیرو های واقعی مردم نماینده نداشته باشند در آن جامعه صلح دوامدار آمده نمی تواند. به فهم، شناخت و تحلیل من **صحت** پیشنهاد، طرح صلح و تفاهم سیاسی در اصول وقواعد معین و چوکات که قسما بالا متذکر شدم به جای خود باقی است و منطق خویش را دارد. برخورد احساساتی و رد این اصل تأثیرات متضاد و عکس دارد (کنتر اپرودکتیف). برخورد احساساتی آب به آسیاب دشمن میرزد. **لست قتل و خون مردم طویل میشود و این تراژیدی را ادامه میدهد.** جامعه جهانی، مردم ما و دولت افغانستان باید بدانند که پالیسی سازان اصلی پاکستان تا زمانیکه به آرزو های خویش نایل نه شوند کما کان جامعه جهانی را فریب خواهند داد و از جامعه جهانی جزیه خواهند گرفت. پاکستان به اندازه کافی کدر و امکانات در داخل افغانستان و حتی پست های دولتی افغانی و در صحنه جنگ دارد که اهداف خویش را عملی سازد. درست است که صلح بدون پاکستان در افغانستان تقریبا نا ممکن است. اما صلح تحت تأثیر پاکستان هم مشکل را حل نه خواهد کرد. باید روشن ساخت صلح به کدام قیمت؟ صلح مؤقت و یا پایدار؟ من به این باورم که صلح به کمک پاکستان صلح مؤقت و غیر پایدار خواهد بود. لذا اگر جامعه جهانی حل مشکل افغانستان، حل و از بین بردن خطر صلح جهانی و رهایی خویش را ازین منجلاب و ورطه هلاکت میخواهد باید مشکل را در پاکستان حل کند. پاکستان ایجاد شده در سرزمین بیگانه نه خواهد گذاشت در افغانستان حاکمیت مستقل، متکی به خود در افغانستان ایجاد شود. هر قدر جامعه جهانی با پاکستان شف شف کند بیشتر اولادش کشته خواهد شد. (توجه کنید به ادامه سیاست فریب و آغوا گری پاکستان در مصاحبه های آقای رحمن ملک وزیر داخله پاکستان در ابتدای همین ماه در لندن - بی بی سی رادیو ۴ ساعت هشت چهل دودقیقه صبح). مسلم این است که ایران هم اهداف خویش را در افغانستان دارد و با مصرف پول های گزاف و امکانات کدری کافی غرب، امریکا و جامعه جهانی را در افغانستان خسته و مانده ساختن میخواهد. مصالحه و منافع آزمندانة دیگر همسایه گان، حرص و تشنگی غیر رفع شدنی زر اندوزان داخلی، تعصب، پیشداری، فتنه های قومی، مذهبی، منطوقی، قدرت طلبی ها و ..... دیگر عوامل اند که به تراژیدی ملت و کشور ما و خطر صلح در منطقه و عوامل قربانی اولاد کشور ما و جامعه جهانی اند.

**و اما در مورد مصالحه با کی؟ ( امید در اختصار نویسی باریکی های لازم افادوی را فراموش نه کنم و سبب سؤ تفاهم نشوم)**

**مصالحه سیاسی با افغانیکه خانه اش سوختانده شده، زمین اش غصب، به عزت اش تجاوز شده، حاکمیت محل جزء از مرتکبین اجرام متذکره است. وی رفته سلاح برداشته و مجبورا در خدمت استخبارات اجانب قرار گرفته و حتی برای تأمین عدالت مرتکب جنایت میشود.**

مصالحه سیاسی با افغانیکه که خدمت به اسلام و طن را در همین سلاح برداشتن و جنگ میداند و فهم اصلی از دین صلح، صفا، اخوت و برادری، گذشت و عفو و عظمت اسلامی را فراموش کرده و راه تشدد را گرفته و آنرا یگانه راه درست میدانند.

مصالحه سیاسی با افغانیکه از ناموس وطن و دین خویش دفاع کردن قصد دارد و در عمل چیزی خلاف میل اش، ناخود آگاه و یا هم با افراط و تفریط عملاً مرتکب جنایت میشود.

مصالحه سیاسی با افغانیکه و یا با حزب و سازمان که از اشتراک در حق تعیین سرنوشت ملت خویش محروم ساخته شده و راههای متمدن تحقق نسخه هایش از نزدش گرفته شده و به تشدد و ادار ساخته شده و در وطن خویش بی وطن است.

لست کسانیکه باید با وی تفاهم و مصالحه دقیق و درست شود، عریض و طویل است.

و اما این اداره و این حاکمیت موجود با روش های خویش میتواند به چنین مصالحه سیاسی برسد؟ متأسفم که جواب منفی است. مصالحه سیاسی یک پروسه است، ایجاد فضای اعتماد است، شناخت جایگاه خود و دیگران است، حق بینی است، اعتقاد به اصول درست مصالحه است. در نظام که مسئولین امور و حلقات اصلی و کلیدی به مصالحه سیاسی معتقد نباشند و مخالف سیاسی را جنایت کار بدانند چطور میتوانند که مصالحه بکنند؟ نتیجه همچو تبلیغات به نام مصالحه و نتایج آن قبل از همه واضح است. جزء بِن بست به جای نه خواهد رسید.

بلی برای کوتاه شدن و پایان دادن برادر کشی باید تدبیری گرفت تا همچولست ها که شما آورده اید از بین برود. این تدابیر کدام اند؟ مصالحه سیاسی تعریف شده جزء این تدابیر اند. دولتداری خوب، حاکمیت قانون، انتخاب راه های علمی و عملی حل مسایل و ... اما بکارگیری این روش ها عملاً اولاً داخل شدن در یک سلسله حلقات مافیایی و اجنبی میطلبد که این به ذات خود مشکل ایجاد میکند.

اما راه حل کدام است و جناب محترم محمد هاشم انوری کدام الترناتیف، قایم مقام و عوضی معقول برای مصالحه سیاسی دارند؟ متأسفانه ما اعتراض میکنیم و مشکل را مطرح میکنیم اما راه حل را پیشکش نمی کنیم. جنگ راه حل نیست و مشکل افغانستان قبل از همه مشکل سیاسی است.

پایان